

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مارینلا کورجیا، موریزیو موسولینو، سر جیو کارارو
برگردان از: حمید محوی
۳۱ اگست ۲۰۱۳

مصاحبه با عمار بکتاش، دبیر اول حزب کمونیست سوریه

24 août 2013

ملاقات عمومی در رم با دبیر اول حزب کمونیست سوریه، عمار بکتاش و مصاحبه عمومی برای آگاهی از دلایل و رویدادهای جاری و نتایج جنگ داخلی در سوریه و یا به عبارت دیگر تلاش برای بی ثبات سازی کشوری که در خاورمیانه زیر نظارت و در اختیار امپریالیستها نیست.



حمله به سوریه به چه هدفی انجام گرفته است؟

سوریه در خاورمیانه، به ویژه پیش از اشغال عراق، برای کشورگشایی های امریکای شمالی سد باز دارنده ای است. ولی در واقع بازیگر اصلی این طرح در اسرائیل است، رئیس جمهور اسرائیل شیمون پرز این هدف را از سال ۱۹۸۰ پی گیری می کند. کمونیست های سوریه این طرح را «سرزمین موعود بزرگ» نامیده اند. سوریه دستورات ایالات متحده و اسرائیل را در خاور میانه نپذیرفت، و از مقاومت عراق پشتیبانی کرد، از مقاومت لبنان و حقوق بین المللی مردم فلسطین نیز پشتیبانی به عمل آورد.

شورش، بحران و جنگ داخلی در سوریه چگونه آغاز شد؟

در تحلیل کمونیست ها، شرایطی که لیبرال ها به سال ۲۰۰۵ ایجاد کردند، مطرح می باشد. این سیاست سه تأثیر منفی در بر داشت: افزایش نابرابری اجتماعی، حذف و تبعیض اجتماعی بیش از پیش گسترش یابنده در حومه دمشق، کاهش شرایط زیستی مردم. این روند وضعیت مساعدی برای نیروهای ارتجاعی، مانند اخوان المسلمین فراهم ساخت که از سوی لومپن پرولتاریا، و به ویژه روستا نشینان مورد پشتیبانی قرار گرفت. وقتی ما در پارلمان این وضعیت را افشاء کردیم، ما را متهم کردند که از دیدگاه ایدئولوژیک موضع گیری کرده ایم و ما را احمق دانستند.

در سوریه می خواهند همان کاری را تکرار کنند که در مصر و تونس به وقوع پیوست. ولی در مورد مصر و تونس ما با دو کشوری سروکار داریم که در جبهه امپریالیست ها است. در مورد سوریه، وضعیت متفاوتی در کار بود. با راه اندازی تظاهرات مردمی در مناطق روستائی درعا و ادلب شروع کردند. ولی در شهرها فوراً تظاهرات بزرگ مردمی به پشتیبانی از بشار اسد به راه افتاد. در آغاز تظاهرات، پولیس تیراندازی نمی کرد بلکه از بین تظاهر کنندگان افرادی دست به اعمال خشونت آمیز می زدند، به این ترتیب بود که طی هفت ماه اول پولیس و ارتش نسبت به تظاهر کنندگان قربانیان بیشتری را متحمل شد. وقتی روش تظاهرات دیگر کارائی خود را از دست داد، به اعمال تروریستی روی آوردند و قتل های هدف گیری شده از بین شخصیت های دولتی، مقامات عالی رتبه و روزنامه نگاران و به همین گونه تخریب زیر بناهای مدنی را آغاز کردند.

دولت با اتخاذ تدابیر اصلاحاتی مانند پلورالیسم و آزادی مطبوعات به این وضعیت پاسخ گفت، یعنی اصطلاحاتی که ما از آن پشتیبانی کردیم. ولی نیروهای ارتجاعی این اصطلاحات را نفی کردند. ما کمونیست ها، به این معادله پی بردیم: گفتار و عمل باید به گفتار و عمل روبه رو شود. ولی تروریسم باید با حاکمیت قانون، و بر قراری نظم رویارویی کند.

بعد به مرحله سوم رسیدیم. شورش مسلحانه واقعی. سوء قصد هدف گیری شده به جان افراد و خرابکاریها علامتی بود برای آغاز حمله علیه دمشق. سپس حملات روی حلب متمرکز شد که به دلیل وضعیت جغرافیائی عبور و مرور و تدارکات را از خارج تسهیل می ساخت. دولت با تحمیل حاکمیت قانون و اکنش نشان داد. لازم به یادآوری است که مداخله نظامی و بمباران هوائی در منطقه ای صورت گرفت که ساکنان آن به شکل گسترده گریخته بودند. در ضد حمله ارتش سوریه، شورشیان به شیوه بربرمنشانه ای و اکنش نشان دادند، حتی در مناطقی که سربازی وجود نداشت. و بعد حلب را محاصره کردند.

چرا سوریه مقاومت می کند، و مفهوم آن چیست؟

در این ده سال گذشته عراق اشغال شد و لیبیا باید تسلیم می شد، ولی سوریه به عکس، نه. به دلیل انسجام درونی آن، نیروهای نظامی قدرتمندتر، مناسبات بین المللی با ثبات تر یا به این علت که مداخله نظامی قدرت های امپریالیستی هنوز به شکل مستقیم صورت نگرفته است؟

در سوریه، خلاف عراق و لیبیا، همیشه مناسبات بین المللی نیرومندی وجود داشته است. کمونیست ها از سال ۱۹۶۶ بی وقفه با دولت کار کرده اند. سوریه اگر می خواست تنها روی ارتش حساب کند، نمی توانست مقاومت کند. سوریه قادر به مقاومت بود چون که پشتیبانی مردمی داشت و می توانست روی آنها نیز حساب کند. علاوه بر این سوریه از پیوندهایش با ایران، چین و روسیه بهره مند بود. و اگر سوریه پا بر جا باقی بماند، تاج ها فرو

خواهند افتاد زیرا روشن می شود که راه های دیگری وجود دارد. مبارزه ما بین المللی است. یک کارشناس روسی به من گفت: «نقش سوریه شبیه نقش اسپانیا علیه فاشیسم است».

حوادث مصر چه تأثیری روی وضعیت فعلی سوریه می تواند داشته باشد؟

بین آنچه در مصر روی داده و آنچه در سوریه در شرف وقوع است رابطه دیالکتیک وجود دارد. وجه مشترک این رابطه دیالکتیک نا رضایتی مردم است، ولی مقاومت سوریه سقوط رژیم اخوان المسلمین در مصر را تسریع ساخت و این واقعه خیلی به سوریه کمک خواهد کرد. زیرا سقوط اخوان المسلمین نشان می دهد که مردم از آنها پشتیبانی نکردند.

اخیراً طی مصاحبه ای رئیس جمهور سوریه بشار اسد اظهار داشت: «در سوریه، ما تهاجم اسلامگرایی سیاسی را شکست دادیم». در این مورد چه فکر می کنید؟

ما کمونیست های سوریه، از اصطلاح اسلام سیاسی استفاده نمی کنیم. اسلام تنوعات متعددی را در بطن خود دارد. جبهه ارتجاع مدافع امپریالیسم مانند اخوان المسلمین و جبهه طرفداران پیشرفت مانند حزب الله و حتی ایران. من شخصاً ستایشگر الگوی ایرانی نیستم، ولی ایرانی ها در مبارزه ضد امپریالیستی هم پیمانان ما هستند. از تاریخ پنجمین کنگره ما، ما ایران را بر اساس وضعیت ضد امپریالیستی آن داوری کردیم. شعار ما این است: برای اتحاد بین المللی جبهه ضد امپریالیسم.

در ایتالیا، بخش مهمی از مردم فکر می کنند که شورشیان علیه یک رژیم فاشیست می جنگند، یعنی رژیم اسد. برای آنها چه پاسخی دارید؟

اگر از تعریف فاشیسم شروع کنیم، به مفهوم جریان ارتجاعی است که برای منافع سرمایه داری انحصاری از روش های خشونتبار استفاده می کند - در سوریه سرمایه داری انحصاری حاکم نیست. خلاف تمام تصورات این شورشیان هستند که سرمایه داری بزرگ را نمایندگی می کنند. همان گونه که از تاریخ آموخته ایم، می دانیم که شورش ها همیشه انقلابی نیستند. به کنترا در نیکاراگوئه، فرانکیستها در اسپانیا فکر کنیم. از این نمونه ها بسیار هستند. ولی آیا مخالفان اسد همه ارتجاعی هستند؟ یا، همانگونه که منازعات داخلی بین ارتش آزاد سوریه و مبارزان جهاد طلب نشان می دهد، یا منازعات این روزهای اخیر بین کردها و جهاد طلبان، آیا می توان عنصر پیشگام و مترقی بین آنها یافت که بتوان با آنها گفت و گو کرد؟

بین مخالفان، برخی از آنها چندین سال در زندان های سوریه زندانی بودند و ما برای آزاد سازی آنها مبارزه کردیم. با این وجود این نوع مخالفان اسد مخالف دخالت خارجی هستند. برخی از این مخالفان در دمشق زندگی می کنند و ما در گفت و گوی ملی با یکدیگر کار می کنیم. حتی حیصم منا (۱) از کمیته همکاری دموکراتیک استفاده از خشونت از سوی اپوزیسیون مسلح و به همین گونه مداخله خارجی را محکوم کرده است. افراد دیگری مانند میشل کیلو (۲) به چپ تعلق دارند، ولی به این آرمانها خیانت کردند ولی در هر صورت نمی توانند سرشت ارتجاعی شورش را متحول سازند.

شما چگونه تشدید اختلافات بین عربستان سعودی و قطر و بازتاب آن را در انشعابات بین شورشیان مسلح توضیح می دهید؟

نفوذ قطر کاهش می یابد در حالی که نفوذ عربستان سعودی صعود می کند. موضوع زد و خورد با کردها موضوع دیگری است. زد و خورد بین کردهای اتحادیه دموکراتیک کرد و مبارزان جهاد طلب النصره، ولی بین گروه های مختلف کرد نیز زد و خوردهائی روی داد.

برای فلسطینی هانی که در اردوگاه های پناهندگان در سوریه زندگی می کنند چه روی خواهد داد؟

اخیراً من با یکی از مسوولان سازمان آزادیبخش فلسطین ملاقاتی داشتم، او گفت: «اگر سوریه سقوط کند، خداحافظ فلسطین». حماس برخی موارد با شتاب واکنش نشان داد، اشتباهات زیادی مرتکب شد و به مشکلاتی چند دامن زد. می توانیم بگوئیم که سازمانی که به جهان اخوان المسلمین تعلق دارد به منشأ خود بازگشت و از این پس زیر چتر کمک های قطر قرار گرفته است. ولی در عین حال برای آنها خطرناک است. حالا پس از رویدادهای مصر در غزه چه روی خواهد داد؟ اکثریت مبارزانی که وارد اردوگاه پناهندگان فلسطینی در سوریه شدند فلسطینی نبودند. اکثریت فلسطینی ها کاملاً مخالف مداخله خارجی در امور داخلی سوریه هستند. در یارموک ۷۰ درصد ساکنان محل از اهالی بومی سوریه هستند، زیرا اردوگاه های پناهندگان در سوریه مثل کشورهای دیگر «گتو» نیست. در یارموک مبارزان حضور دارند ولی مردم سوریه آنجا را ترک کرده اند. کمیته اجرائی سازمان آزادیبخش فلسطین دو بار به سوریه آمد تا در مورد حفاظت از اردوگاه های پناهندگان کسب اطلاع کند. یارموک در محاصره النصره با کمک حماس که سعی کرد ارتش را تحریک کند، ولی ارتش دستور دریافت کرده بود که واکنشی نشان ندهد.

در مورد اردن خیلی کم گفته می شود، ولی نقش اردن در بحران و جنگ داخلی سوریه کدام است؟

رژیم سلطنتی اردن همیشه با امپریالیست ها همکاری کرده است و فعالیت های اخوان المسلمین در آنجا از شدت خاصی برخوردار است. اردن حضور نظامی ایالات متحده در خاک خودش را پذیرفته و مشخصاً خاک اردن نقطه عزیمت چهارمین حمله علیه دمشق بود.

اسرائیل چه نقشی در سوریه به عهده دارد؟

اسرائیل از شورشیان مسلح پشتیبانی می کند، ولی وقتی از دستیابی به اهدافش عاجز می ماند، هواپیماهای اسرائیلی وارد کارزار می شود. این روند در دمشق روی داد ولی همین چند روز پیش در بندر لاذقیه نیز به وقوع پیوست.

چگونه از این وضعیت تراژیک باید بیرون آمد؟

به هیچ وجه نمی توانیم انتظار پیشرفت یا برقراری دموکراسی داشته باشیم، در صورتی که در تهدید نیروهای خارجی به سر می بریم. شعار ما دفاع از حاکمیت ملی و شرایط زیستی مردم است. همانگونه که پیش از این نیز اعلام کردم، مهمترین مسأله برای توقف کشتار مردم سوریه ابتداء توقف کمک های کشورهای ارتجاعی و کشورهای امپریالیستی به شورشیان مسلح است. وقتی این کمک ها متوقف شد، می توانیم تمام این عملیات نظامی را متوقف کنیم، حتی از سوی دولت سوریه. و می توانیم روند دموکراسی سازی را با انتخابات پارلمانی آغاز کنیم و

سپس اصلاحات سیاسی، یعنی راه کارهایی که در شرایط مبارزه مسلحانه امکان فراهم ساختن آن وجود ندارد. آینده سیاسی سوریه توسط انتخابات و به ویژه انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۴ تعیین خواهد شد.

[Source : PCF](#)

منبع :

<http://www.michelcollon.info/Entretien-avec-Ammar-Bagdash.html>

پی نوشت

Haytham Mena (۱)

Michel Kilo (۲)

گاهنامه هنر و مبارزه

۳۰ اگست ۲۰۱۳